



عنوان: شناسایی الگوهای ذهنی به علل کودک همسری (مورد مطالعه مناطق کم برخوردار تبریز)

۱- نویسنده مسئول: رقیه ولایتی، دکترای جامعه‌شناسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرا تبریز، ایمیل: velayati90@yahoo.com، شماره تماس: ۰۹۱۴۱۲۸۰۹۸۸

۲- نیر دشتی، دکترای روانشناسی تربیتی، مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرا تبریز، ایمیل: nayer_dashti@yahoo.com، شماره تماس: ۰۹۱۴۹۲۵۵۲۴۴

۳- فیروزه آخوندی، دکترای زبان‌شناسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرا تبریز، ایمیل: firuzeh2017.akhundi@gmail.com، شماره تماس: ۰۹۱۴۱۹۳۵۴۵۰

۴- حکیمه ولایتی، کارشناس جغرافیای روستایی، دبیر آموزش و پرورش شهرستان اهر، ایمیل: velayatiahar@gmail.com، شماره تماس: ۰۹۱۴۹۲۷۰۱۹۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی الگوهای ذهنی مربوط به علل کودک همسری در مناطق کم برخوردار آذربایجان شرقی بود. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی و از نظر جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها ترکیبی است. برای گردآوری اطلاعات در فاز اول جهت دستیابی به فضای گفتمان، ضمن جمع‌آوری اطلاعات از منابع مرتبط از مصاحبه عمیق و نیمه‌سازمان یافته با کارشناسان استفاده گردید، پژوهشگر با حضور در مکانهای مرتبط (مدارس، دفاتر وکلا، دفاتر شوراهای حل اختلاف، دفاتر ازدواج، ادارات بهزیستی، دادگستری، بخشداری و سایر ادارات و محل کار کارشناسان و مطلعین) با کارشناسان مورد نظر به مدت ۱۵ - ۴۵ دقیقه به دلخواه شرکت‌کننده از طریق مصاحبه اطلاعات لازم را جمع‌آوری نمود. در فاز دوم پس از گردآوری اطلاعات و شکل‌گیری فضای گفتمان، از کارتهای کیو برای گردآوری اطلاعات نهایی استفاده گردید. پس از تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی بر روی نرم افزار SPSS پنج الگوی ذهنی کشف و شناسایی گردید که هر کدام دارای مفاهیم و ویژگی متفاوتی نسبت به همدیگر می‌باشد.

واژگان کلیدی: کودک همسری، ذهنیت، مناطق کمتر توسعه یافته، تبریز

دوین کتفرس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



۱- مقدمه و طرح مسئله

خانواده مهمترین واحد اجتماعی هر جامعه است که با بستن پیمان زناشویی بین زن و مرد به وجود می آید. در واقع نهاد خانواده، رکن بنیادین جامعه بشری است و وضعیت خانواده به عنوان یکی از نهادها و ارکان مهم هر جامعه، در سایر نهادهای اجتماعی و در وضعیت کلی جامعه اثر می گذارد (پناهی و زارعان؛ ۱۳۹۱). در دهه های گذشته، ازدواج کودکان بویژه در کشورهای در حال توسعه و فقیر به عنوان تهدیدی برای سلامت فردی و توسعه اجتماعی دختران مورد توجه قرار گرفته است. در عصر حاضر، نظام خانواده دچار مشکلات و چالش های اساسی گردیده و حتی گاه اساس و تمامیت آن نیز زیر سوال رفته است. در این میان کودک همسری به عنوان پدیده ای است که در میان بحرانها، حائز اهمیت بیشتری است و یکی از چالش های اساسی در نهاد خانواده و جامعه است به طوری که آمار مربوط به آن نشان از روند صعودی با شیب تند دارد (کوهی، ۱۳۹۸). کودک همسری در طول تاریخ جوامع وجود داشته و بسته به مقتضیات زمانی و مکانی نیز وجود خواهد داشت اما افزایش آن در جامعه یک تهدید جدی برای نهاد خانواده و جامعه تلقی می شود (کوهی، ۱۳۹۸). کودک همسری نوعی ازدواج رسمی یا غیر رسمی است که در آن فرد پیش از رسیدن به ۱۸ سالگی وارد پیمان زناشویی می شود که از معضلات اجتماعی و ناهنجار روزگار ماست و به نوعی تضییع حقوق کودکان محسوب می شود (قاسمی و دادجو، ۱۳۹۷). سازمان ملل متحد ازدواج کودکان را به هر نوع ازدواج در زیر سن ۱۸ سال قبل از اینکه دختر به لحاظ جسمی و روانی آمادگی پذیرش مسئولیت های زناشویی و بچه داری را داشته باشد، اطلاق می کند. ازدواج کودکان شکلی از زناشویی است در آن حداقل یکی از طرفین کمتر از ۱۸ سال سن دارد. و در بیشتر موارد این دختر است که هنوز یک کودک می باشد (بابانژاد ایرانق و همکاران ۱۳۹۹). بررسی ها نشان می دهد که معیار جهانی سن ازدواج، ۱۸ سال است، اما اغلب کشورها یا سن ازدواج را پایین تر از آن و یا بیشتر از آن تعیین کرده اند. در ایران اوایل انقلاب سن ازدواج برای دختران ۹ و برای پسران ۱۵، یعنی همان سن تکلیف شرعی بوده است، اما بعدها این سن برای دختران به ۱۳ سال تمام تغییر پیدا کرد و برای پسران نیز همان سن تکلیف شرعی یعنی ۱۵ سال تمام باقی ماند. بر اساس ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، حداقل سن ازدواج دختران ۱۳ سال تمام و برای پسران نیز ۱۵ سال تمام است، اما ازدواج کودکان زیر این سن به کلی منع نشده است و می تواند با اذن ولی و به شرط رعایت مصلحت و با تشخیص دادگاه صالح ازدواج دختران صورت داد. بر اساس این قانون، کودک همسری به آن دسته ازدواج هایی گفته می شود که شرایط سنی پیش بینی شده ازدواج در قانون اساسی (برای دختران ۱۳ سال و برای پسران ۱۵ سال) رعایت نشده و قبل از رسیدن به سنین مذکور ازدواج صورت بگیرد (کوهی، ۱۳۹۸). بر اساس آمار منتشر شده از سوی یونیسف در سال ۲۰۱۸، بیست و یک درصد از زنان ۲۴-۲۰ ساله جهان زیر ۱۸ سال ازدواج کردند که از این میان بیشترین میزان با ۳۵ تا ۴۰ درصد مربوط به کشورهای آفریقایی و کمترین میزان با ۷ درصد در کشورهای آسیای شرقی است. در ایران ۱۷ درصد از کل ازدواج های کشور مربوط به کودکان زیر هجده سال است که از این رقم حدود ۵ درصد متعلق به دختران ۱۴-۱۰ ساله می باشد (حسینی فر و اکبری، ۱۳۹۸). همچنین نتایج بررسی های آماری نشان می دهد که در ایران روند کودک همسری از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۸ روند صعودی را طی کرده و استان های خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، سیستان و بلوچستان در زمره استان هایی قرار دارد که بیشترین نرخ کودک همسری در آن اتفاق افتاده است و بالاترین رتبه را در میزان ازدواج کودکان زیر ۱۴ سال در ایران دارند. (کوهی، ۱۳۹۸). در ایران ازدواج دختران زیر ۱۰ سال نیز صورت می گیرد که حدودا بین ۱۷۰ تا ۲۰۰ دختر در سال زیر ده سالگی ازدواج می کنند (ابوالحسن تنهایی و همکاران، ۱۳۹۸). آمارها نشان می دهد که حدود ۳۰ درصد دخترانی که در کشور ازدواج می کنند در سنین زیر ۱۹ سال به سر می برند (حسینی فر و اکبری، ۱۳۹۸). کودک همسری یک پدیده چند بعدی است و علل گرایش به آن به دلیل مسائل اقتصادی، بیکاری و مشکلات خانواده است و بخشی دیگر نیز به دلیل فرهنگ و آداب و سنن است (ریحانی، ۱۳۹۹). دو دیدگاه در خصوص کودک همسری و ازدواج زودهنگام وجود دارد: دیدگاه سنتی که کودک همسری را به عنوان فرصت و دیدگاه مدرن که کودک همسری را به عنوان تهدید مطرح می کند. افراد و صاحب نظرانی که از دیدگاه سنتی به کودک همسری نگاه می کنند، ادله های محکمی از روایات و زندگی پیامبران و امامان و همچنین از عرف و فرهنگ گذشته خود مطرح می نمایند. برخی تحلیل های جامعه شناختی این نگرش را در جامعه سنتی که ساختار

دوین کتفرس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



خانواده به شکل خانواده گسترده بود مورد تایید قرار می دهند، به اعتقاد این متخصصان جامعه شناسی در خانواده گسترده چیزی به نام زندگی مستقل برای زوجین تازه ازدواج کرده معنی نداشت و همه اعضای خانواده حتی پس از ازدواج باهم زندگی می کردند و پدر بزرگ همه مشکلات خانواده را حل و فصل می کرد و مهارت های زندگی، حل مسئله و مشکلات را به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به فرزندان ازدواج کرده می آموخت. در مقابل افراد و صاحب نظرانی که کودک همسری را در جامعه مدرن تهدید تلقی می کنند، معتقدند که در جامعه عصر حاضر چون شکل خانواده هسته است و فرزندان باید بعد از تشکیل زندگی در مکانی جدید، زندگی مستقل را آغاز نمایند، بنابراین این زن و شوهر خردسال نمی توانند از عهده اداره و مدیریت خانواده برآیند و ممکن است دچار مشکلات عدیده ای بشوند. مقایسه دو دیدگاه نشان می دهند که هر دو ادله علمی و منطقی برای مخالفت و موافقت با کودک همسری طرح می کنند، اما چیزی که مشخص هست ازدواج زودهنگام به دلایل اقتصادی و با اختلاف فاحش سنی بین زوج و زوجه ظلمی آشکار در حق فرزندان است و هر دو دیدگاه آن را بر نمی تابند و با این گونه ازدواج ها مخالف هستند (کوهی، ۱۳۹۸) به اعتقاد پژوهشگران مسائل اجتماعی کودک همسری در زنجیره نابرابری جنسیتی تحت تاثیر فقر، توقعات اجتماعی، خشونت فرهنگی، هنجارهای کلیشه ای جنسیتی، همچنان به عنوان یک الگوی سنتی زناشویی در بسیاری از اقوام و مناطق روستایی و شهرهای کوچک رواج دارد و یک معضل مهم به شمار می آید (صفوی و مینایی، ۱۳۹۴؛ سعیدی، ۱۳۹۶). به طور کلی ارزشمندی ازدواج، باورهای جامعه درباره فواید ازدواج زودهنگام، نگرانی والدین از پیامدهای پاسخ منفی به خواستگار، نگرانی از حرف های مردم، عبرت از دختران مجرد (بیشتر از ۳۰ سال سن)، نگرانی از افزایش سن دختران و تاخیر در ازدواج یا نبود فرصت ازدواج در آینده، نگرانی از فاصله سنی زیاد زوجین با کودکشان، تقاضای فراوان برای ازدواج با دختران نوجوان، تمایل دختران نوجوان به ازدواج، نگرانی والدین از فرار دختر با پسر مورد علاقه اش و به خطر افتادن آبرو و ضعف مالی از دلایل ازدواج زودهنگام است (فرضی زاده و همکاران، ۱۳۹۶). مهمترین دلایل ازدواج زود هنگام و کودک همسری در ایران هنجارهای اجتماعی و فرهنگی می باشد از جمله هنجارهای مربوط به مذهب، بر سنی که از دختران انتظار می رود، ازدواج کنند، تاثیر می گذارد. به علاوه وضعیت اجتماعی، اقتصادی، سطح تحصیلات و زمینه های اجتماعی بر احتمال ازدواج زودهنگام یک دختر دخالت دارند. همچنین مردسالاری تحکیم روابط بین خانواده ها، هنجارهای جنسیتی اجتماعی، ساختارهای اجتماعی تبعیض آمیز، فشار اجتماعی، پابندی و تداوم هنجارهای اجتماعی درون نسلی، پرهیز از داغ اجتماعی، ترس و نبود امنیت، تضمین آینده دختر، منع فعالیت های جنسی خارج از ازدواج سایر دلایل مهم ازدواج زود هنگام هستند (احمدی، ۱۳۹۶). از جمله اقداماتی که می تواند در کاهش پدیده کودک همسری موثر واقع شود شناسایی الگوهای ذهنی مربوط به دلایل و زمینه های پدیده کودک همسری در موقعیت جغرافیایی و زمانی مختص به آن منطقه باشد. لذا با در نظر گرفتن این مهم هدف ما در این پژوهش پاسخ به این سوال هست که الگوهای ذهنی مربوط به دلایل (علل و عوامل زمینه ساز) بروز و شیوع پدیده کودک همسری در مناطق کم برخوردار آذربایجان شرقی کدام ها هستند؟

۲- پیشینه نظری پژوهش

پیش رسی یا زودرسی ازدواج دختران را می توان از سه رهیافت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تبیین کرد. رهیافت اجتماعی با نظریه مدرنیزاسیون، رهیافت اقتصادی با نظریه مبادله (عرضه و تقاضا) و رهیافت فرهنگی با نظریه برابری جنسیتی توضیح داده می شود. باید توجه داشت که نظریه مدرنیزاسیون، دو نظریه مبادله و برابری جنسیتی را با خود به همراه دارد.

الف- تئوری مدرنیزاسیون

این تئوری توسط ویلیام گود مطرح شده است. وی برای تبیین تفاوت سن ازدواج افراد از مفهوم مدرنیزاسیون استفاده کرده است. بر این اساس، کاهش یا افزایش سن ازدواج با درجات مدرنیزاسیون مقایسه شده است. مدرنیزاسیون در سطوح فردی و اجتماعی با تاثیرگذاری بر زمان ازدواج صورت می گیرد. در میان مهمترین عوامل مدرنیزاسیون، می توان به گسترش فرصت های تحصیلی، تغییرات در نیروی کار و فعالیت های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره کرد. افرادی که در مناطق شهری زندگی می کنند، به دلیل شیوه های زندگی متفاوت و نیز کنترل اجتماعی ضعیف تر، نسبت به مناطق روستایی، ازدواجشان با تاخیر صورت می گیرد. در

دوین کتفرس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



مدرنیزاسیون، خانواده محوری به فرد محوری تبدیل می شود. فرآیند مدرنیزاسیون با ترجیح خانواده هسته ای، فرد محوری در مقابل خانواده محوری، بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی، شهر نشینی و ازدواج های با انتخاب آزاد، تشکیل خانواده در سنین بالاتر را تشویق می کند. همچنین فرآیند مدرنیزاسیون با تغییر نگرش ها و ایده های افراد جامعه همراه است. به طوری که در دنیای مدرن امروزی، افراد به نگرش هایی به خصوص در زمینه انتخاب همسر، دست یافته اند، که دایره انتخاب همسر را محدود تر می کند. با تغییر نگرش های حاصل از مدرنیزاسیون، سن شروع به زناشویی افراد بالاتر رفته و افراد در سنین بالاتری همسر انتخاب می کنند. با توجه به این نظریه می توان گفت، در مناطق کمتر توسعه یافته یا در حال توسعه، به دلیل نبودن عامل های مدرنیزاسیون، با پدیده پیشروی یا زود هنگامی ازدواج روبرو هستند. در این مناطق فرصت های تحصیلی و به تبع آن فرصت های اشتغال و شهرنشینی به شدت محدود، در نتیجه اغلب ازدواج ها زودتر از سن قانونی یا شرعی انجام می شود.

ب- تئوری مبادله

فرض اساسی نظریه مبادله، آن است که مردم در انتخاب های خود منطقی بوده و درصدد به حداکثر رساندن سود خود از انتخاب و برقراری رابطه با دیگران هستند. این نظریه عمدتاً از طریق اقدامات «جورج هومنز» و «پیتر بلاو» تأثیر عمده ای بر تحقیقات جامعه شناسی داشته است. «بارتز» و «نای» با کاربرد این نظریه در مورد ازدواج دودسته تعیین کننده ازدواج را مشخص کرده اند: دسته اول آنهایی هستند، که باعث می شوند، ازدواج برای فرد رضایت بیشتری را نسبت به مجرد ماندن تأمین کند و دسته دوم آنهایی هستند، که باعث می شوند ازدواج در میان بسیاری از جایگزین های نامطلوب، برای فرد کمتر نامطلوب باشد. آنها با بررسی ۲۳ قضیه مرتبط با عوامل اقتصادی- اجتماعی ازدواج، یک نظریه ام مطرح کردند، به این صورت که: هر قدر تفاوت مثبت بین رضایت مورد انتظار از ازدواج و رضایت دریافت شده از موقعیت کنونی فرد بیشتر باشد، ازدواج زود هنگام یا زودرس بیشتر خواهد بود. در نظریه مبادله، انسان دائماً درصدد بهره گیری بیشتر از حداقل هزینه هاست. اصل جستجوی پاداش های اقتصادی، اجتماعی و روانشناختی در نهاد انسان نهفته است. طبق این نظریه، تصمیم گیری برای ازدواج نوعی تصمیم به سرمایه گذاری است که در آن هزینه ها و دست آوردهای شخص ازدواج کننده در طول زمان واقعیت پیدا می کند. مزیقه ازدواج که یکی از عوامل موثر در افزایش سن ازدواج مطرح می باشد، از این رهیافت قابل تبیین است. با توجه به ترکیبات مبادله (عرضه و تقاضا)، هرگاه در بازار ازدواج، تقاضا برای دختران بیشتر از عرضه باشد، سبب می شود دختران در سنین پایین تری ازدواج کنند و برعکس، هرگاه عرضه بیشتر از تقاضا باشد، سبب می شود دختران در سنین پایین تری ازدواج کنند و برعکس، هرگاه عرضه بیشتر از تقاضا باشد، سبب بالا رفتن سن ازدواج دختران می شود و این بازار عرضه و تقاضای ازدواج است که سن ازدواج را تعیین می کند. در تئوری مبادله، انسان ها همواره به ارزیابی هزینه ها و منافع حاصل از ازدواج می پردازند. در جوامع سنتی (روستایی) و کمتر توسعه یافته فرزندان و بخصوص فرزند دختر برای والد بیشتر نقش مصرف کننده و بار اضافی دارد. در شرایط سخت و تنگناهای اقتصادی، برخی خانواده ها به فکر ازدواج دخترشان می افتند، تا از هزینه ها و بار اقتصادی خانواده بکاهند. در چنین شرایطی پیش رسی ازدواج یا ازدواج زود هنگام افزایش می یابد.

ج- تئوری برابری جنسیتی

در تئوری برابری جنسیتی، بیشترین بحث، برابری فرصت بین دو جنس است (برابری از لحاظ آموزش، اشتغال، مشارکت اجتماعی و...). با توجه به این دیدگاه، زنان در زمینه فرصت های شغلی، آموزشی و غیره سعی می کنند، گام به گام مردان پیش روند. در نتیجه این نابرابری جنسیتی (یا رقابت جنسیتی)، سن ازدواج زنان به تأخیر می افتد. به تأخیر افتادن سن ازدواج هزینه ای است که زنان برای دست یابی به برابری فرصت، مجبورند پرداخت نمایند. در مناطق کمتر توسعه یافته، در تمام زمینه های فرهنگی و اجتماعی، نابرابری زیادی بین دو جنس وجود دارد. فقر مالی، بی سوادی والدین، پرجمعیت بودن خانواده ها، کلیشه های سنتی و فقر فرهنگی، عقاید قالب جنسیتی، همه به نابرابری دامن می زند. والدین ترجیح می دهند که به جای صرف هزینه ها برای ادامه تحصیل دختر، آنها را شوهر دهند (احمدی و رضایی، ۱۳۹۴).

۳- پیشینه تجربی مرتبط



با توجه به ادبیات مطالعاتی که در حوزه ازدواج کودکان، عوامل مختلفی مانند شرایط زیست محیطی، تحصیلات پایین، وضعیت اقتصادی ضعف خانواده و هنجارهای اجتماعی بطور قابل توجهی با ازدواج کودک دختران مرتبط است پژوهش کوهی با عنوان «بررسی کودک همسری در کشور با تاکید بر تبریز» نشان می دهد که روند کودک همسری از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۸ روندی صعودی طی کرده و استان خراسان رضوی، آذربایجان، سیستان بلوچستان و خوزستان تا سال ۱۳۹۶ در زمره استان هایی قرار دارد که بیشترین کودک همسری در آنها اتفاق افتاده است و استان های یزد و سمنان کمترین آمار را به خود اختصاص داده اند. استان آذربایجان شرقی در ازدواج زودهنگام، کودک همسری و در طلاق گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال در رتبه دوم کشور قرار دارد

در یک «بررسی موردی پیامدهای اجتماعی ازدواج زودهنگام دانش آموزان دختر در شهر اسفروین» توسط حسینی فر و اکبری به روش آمیخته (کمی و کیفی) صورت پذیرفت این نتیجه بدست آمد که فقر مالی و فقر فرهنگی بر ازدواج زودهنگام تاثیر داشته و پیامدهای ازدواج زودهنگام دانش آموزان دختر بر ترک تحصیل آنان تاثیر داشته و همچنین بر دیگر دانش آموزان نیز اثر گذار است احمدی و رضایی در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی پیش رسی ازدواج در استان های کشور در سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰» با تحلیل ثانویه داده های ازدواج و زناشویی (از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰) و سرشماری کل کشور و ثبت احوال (از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۹۰) به این نتیجه رسیدند که طی این سال ها پیش رسی ازدواج برای مردان دچار کاهش اما برای زنان دچار افزایش شده است

پژوهش جعفر کردزنگنه (۱۳۹۰) با هدف «بررسی میزان و عوامل موثر بر ازدواج زودرس در ایران» با استفاده از تحلیل ثانویه بر روی داده های طرح آمار گیری از خصوصیات اجتماعی- اقتصادی خانوار به این نتیجه دست یافت که هرچند ازدواج زود هنگام از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۰ یک روند کاهشی گرفته اما در مقایسه با سایر کشورها نسبت ازدواج زودهنگام در ایران بالا می باشد

در پژوهشی به روش کیفی-پدیدارشناسی در شهر مرند با عنوان «تجربه زیسته زنان مرند از مشکلات زودهنگام» توسط ایمان زاده و علیپور صورت گرفت، یافته های حاصل از تجربیات زنان زود ازدواج کرده در خصوص ازدواج زودهنگام در پنج مضمون اصلی «علل ازدواج زودهنگام»، «عوارض فردی»، «عوارض آموزشی و فرهنگی»، «عوارض جسمی»، «عوارض روانی و اجتماعی» شناسایی شد و مضامین فرعی اقتصاد پایین، اعتیاد والدین، تک والد یا والد ناتنی، اجبار، فرهنگ طایفه ای و باورهای سنتی، طلاق، فقدان مهارت مسئولیت پذیری، وابستگی اقتصادی، تحصیلات کمتر، عدم دسترسی به رسانه های جدید، سلامت زنان، بارداری ناخواسته، سقط جنین، افسردگی و خستگی مفرط، انزوای اجتماعی و ناهنجاری اجتماعی از بطن مضامین اصلی بدست آمد. براساس یافته های این پژوهش مشخص گردید که عواملی مانند مشکلات اقتصادی خانواده ها، اعتیاد والدین، تک والد یا بودن والد ناتنی، اجبار و فرهنگ طایفه ای و باورهای سنتی در گرایش افراد به ازدواج زودهنگام نقش اساسی دارد

پژوهش «تجربه زیسته دختران نوجوان در نقش همسر» توسط پژوهشگران سادات صفوی و مینایی در آران بیدگل صورت گرفت که نتایج نشان داد این دختران حتی تصور و شناخت درستی از ازدواج و مسئولیت های مربوط به آن نداشته اند و از نظر روابط اجتماعی و فرهنگی در جامعه و همچنین روابط شخصی، نظیر برقراری ارتباط مناسب با همسر، فرزندان و اطرافیان شان دچار مشکلات فراوانی شده اند و به دلیل آموزش ندیدن در زمینه مسائل جنسی، بارداری در سنین پایین زمینه ساز مشکلات جسمی و روانی برای این افراد شده است

سلیمانی در پژوهش «کودک همسری؛ بحرانی جدید در آموزش و پرورش» با استفاده از شیوه تحقیق توصیفی از نوع کتابخانه ای با روش مستندنگاری و رجوع به منابع معتبر روانشناسی، حقوق و تعلیم و تربیت یا استفاده از فیش های مطالعاتی به این نتیجه رسید که در مناطقی که امکان تحصیل دختران کم است یا خانواده ها به لحاظ فرهنگی اجازه ادامه تحصیل به دخترانشان را نمی دهند، آمار کودک همسری بالا می رود

پژوهش کیفی فرضی زاده و همکاران «بررسی موانع تحصیل دختران روستایی، صورت پذیرفت مشخص گردید که مجموعه ای از عوامل فرهنگی و اقتصادی در تصمیم گیری برای تحصیل دختران روستایی موثر است که این عوامل عبارت بودند از: عدم باور والدین به ضرورت تحصیل یا ادامه تحصیل دختران، تاکید بر ازدواج زود هنگام دختران، گسترش شایعات مردم به سبب خروج دختران از منزل و تبعیض میان فرزند دختر و پسر. شواهد حاکی از آن است که ازدواج هایی که در سنین پایین رخ می دهد، بیشتر از ازدواج



دوین کتفرس ملی مطالعات خانواده و مدرسه

هایی که در سنین بالاتر رخ می دهد، منجر به طلاق می شود بازماندگی تحصیلی، یکی از پیامدهای مهم ازدواج کودکان است. ازدواج در کودکی، فرصت حضور در مدرسه، کسب مهارت های زندگی، پیشرفت اجتماعی و اقتصادی را از آن ها می گیرد

۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر از حیث هدف اکتشافی و از نظر روش شناختی از نوع آمیخته (کیفی- کمی) می باشد که در مرحله تشکیل فضای گفتمان نقش کیفی و در مرحله تحلیل عاملی کیو نقش کمی دارد. همچنین این پژوهش از حیث مکانی، پژوهشی کتابخانه ای- میدانی محسوب می شود، کتابخانه ای از این جهت که داده های نظری برای کشف ذهنیت، از بررسی و توسعه منابع موجود در زمینه کودک همسری به دست آمده است و چون برای شناسایی ذهنیت، داده های لازم از مشارکت کنندگان به صورت مصاحبه گردآوری شد، میدانی محسوب می شود. جامعه آماری این پژوهش متشکل از تمامی کارشناسان و صاحب نظران (شامل: دبیران، مدیران، مشاوران و مربیان پرورشی مدارس، راهبران آموزشی منطقه، مددکاران اجتماعی فعال در اداره بهزیستی و دادگستری منطقه، اولیا و خانواده ها، وکلا، کارکنان و قضات دادگستری شاغل در منطقه، شوراهای حل اختلاف و روحانیون محلی، مسئولین دفاتر ثبت ازدواج، مسئولین خوابگاه های دخترانه و سایر افراد مطلع و آگاه در حیطه مشکل کودک همسری) بودند که در مناطق کم برخوردار استان (خواجیه، خدافین، مناطق عشایر نشین کلیبر، هوراند، تیکمه داش) مشغول به خدمت بودند. مرحله نمونه گیری در دو فاز اجرا گردید بدین صورت که: در فاز اول تعداد نمونه برحسب شرایط و تا دسترسی به نقاط مشترک و تکراری ادامه یافت و با تعداد ۲۵ نفر نمونه مصاحبه انجام گردید و در فاز دوم ۱۶ نفر نمونه منتخب (با استفاده از روش نمونه گیری مبتنی بر هدف) اقدام به رتبه بندی مجموعه کیو نمودند. در این پژوهش از فرایند پنج مرحله ای کیو به شرح: ۱- گردآوری فضای گفتمان (از طریق مصاحبه، مطالعه موارد و منابع مرتبط و ...) ۲- انتخاب نمونه معرف فضای گفتمان (با استفاده از صاحب نظران و افراد مرتبط با موضوع مورد مطالعه) ۳- انتخاب مشارکت کنندگان (به صورت هدفمند) ۴- مرتب سازی کیو (توسط مشارکت کنندگان با قراردادن کارتها در جداول کیو) براساس شکل (۱) ۵- تحلیل داده ها (با استفاده از تحلیل عاملی) استفاده شده است.

مخالف

موافق

شکل (۱)

برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه بدون سازمان (یا عمیق) و نیمه سازمان یافته با کارشناسان امر استفاده شد به این صورت که پژوهشگر با

-۴	-۳	-۲	-۱	۰	+۱	+۲	+۳	+۴

حضور در مکان های مرتبط (مدارس، دفاتر وکلا، دفاتر شوراهای حل اختلاف، دفاتر ازدواج، ادارات بهزیستی، دادگستری، بخشداری و سایر ادارات و محل کار کارشناسان و مطلعین مربوطه) با کارشناسان مورد نظر به مدت ۱۵ الی ۴۵ دقیقه به دلخواه شرکت کننده از طریق مصاحبه به جمع آوری اطلاعات لازم اقدام نمود. و در فاز دوم یعنی پس از گردآوری اطلاعات لازم و شکل گیری فضای گفتمان، از کارت های کیو در کنار مصاحبه پایانی برای گردآوری اطلاعات نهایی استفاده گردید. پس از جمع آوری اطلاعات، داده های پژوهش با نرم افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شد.

روایی و پایایی روش کیو

دوین کنفرانس ملی مطالعات خانوادہ و مدرسه



در مطالعه به روش کیو، جامعیت عبارات نمونه کیو در بررسی روایی مطرح می باشد یعنی عبارات گردآوری شده باید از چنان جامعیتی برخوردار باشد که بتواند ذهنیت های مختلف را نمایان کند (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶). عبارات این پژوهش با مرور ادبیات نظری و مصاحبه با کارشناسان امر تهیه گردید و در مرحله اجرادر برگه پاسخنامه در مورد روایی از کارشناسان و مشارکت کنندگان سوال گردید که نهایتاً از ۱۶ مشارکت کننده ۱۵ نفر موافق جامعیت و یک نفر گزینه بی نظر و گزینه مخالف مورد انتخاب هیچ یک از شرکت کنند نبود بنابراین تنها با احتساب افراد موافق، روایی ۹۳،۷۵ تعیین می گردد. همچنین برای تعیین پایایی نیز از روش آزمون-آزمون مجدد استفاده گردید که ضریب پایایی برای ۲۵ درصد مشارکت کنندگان ۰/۹۲ بدست آمد که نشان از سطح بالای پایایی می باشد.

۵- یافته های پژوهش

یافته ها در پژوهش حاضر با استفاده از روش کیو در پنج مرحله و به صورتی که در زیر شرح داده می شود به دست آمد:

- ۱- ایجاد فضای گفتمان و مجموعه کیو
- ۲- انتخاب مشارکت کنندگان ارزش گذاری (رتبه بندی) کیو
- ۳- تکمیل ارزش گذاری نمودارهای کیو و استخراج مصاحبه ها
- ۴- ورود اطلاعات به نرم افزار SPSS و انجام تحلیل داده های اطلاعاتی
- ۵- تفسیر عامل ها و الگوهای ذهنی

در گام اول فضای گفتمان و مجموعه کیو تهیه شده است. تعریف فضای گفتمان پژوهش بر مجموعه جامعی از ادبیات موضوع شامل مطالعه مقالات علمی، کتاب، روزنامه ها، مجلات، متن های ادبی و دیگر منابع رسانه ای و انجام روش های کیفی مانند مصاحبه و بحث گروهی متمرکز است که مرتبط با موضوع دلایل و پیامد های کودک همسری می باشد. در مجموع هدف اصلی این مرحله تامین کفایت محتوای تکمیل دهنده فضای گفتمان یا تئوری تجمیع به منظور اخذ افکار، عقاید و نگرش های مشارکت کنندگان است و لزوماً شامل حقایق نیست بلکه عقاید شخصی و برداشت افراد را دربر می گیرد. در این روش جامعه نمونه، گزینه کیو ها هستند که به مجموعه آنها «مجموعه کیو» گفته می شود. گزینه کیو ها به صورت گزاره ها یا عباراتی درباره جنبه های مختلف موضوع پژوهش می باشد که ابعاد مختلف، گستردگی و تنوع فضای گفتمان را در خود منعکس می سازد. در این گام از بین مجموعه بزرگی از دلایل و پیامدهای کودک همسری تعداد سی و یک عدد از دلایل و همچنین سی و یک عدد پیامدهای مناسب (بنابه تخصص و تشخیص محققین و براساس تجربیات حاصل از مصاحبه) انتخاب گردید. همچنین نکات ویرایشی (اعم از اصلاح، ساده و روان سازی عبارات، تولید عبارات هم عرض و هم معنی و...) نیز اعمال گردید. سپس تمامی عبارات روی کارت های کیو درج و مجموعه کیو جهت اجرا بدست آمد که این عبارات در جدول شماره (۱) و (۲) نشان داده شده است.

جدول (۱). دلایل کودک همسری

ردیف	دلایل	ردیف	دلایل	ردیف	دلایل
۱-	فقر و ضعف مالی و اقتصادی خانواده/ هزینه بر بودن ماندن دختران در خانواده/ تضمین آینده دختر با ازدواج زودهنگام/ برآورده نشدن نیاز مادی دختران در خانواده	۱۲	ترجیح ازدواج زود هنگام به علت نبود امکان ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر	۲۳-	نگرانی و ترس از افزایش سن دختر/ هراس از "ماندن" دختر در خانه/ ترس از پیدا نشدن خواستگار و فرصت سوزی/ نگرانی از ازدواج با مردان مسن در آینده
۲-	فرار دختران از کار در خانه پدری/ فرار دختر از مشکلات و آزار و اذیت خانواده/ دور شدن از محدودیت و بد اخلاقی خانواده	۱۳-	تحکیم روابط بین خانواده ها از طریق ازدواج/ نادیده گرفتن سن دختران به علت نسبت خویشاوندی با خانواده همسر	۲۴-	رقابت پسران برای ازدواج با دختران سن پایین/ افتخارآمیز بودن ازدواج با دختران جوان و کم سن و سال بین مردان/ تقاضای فراوان برای ازدواج با دختران کم سن

دوین کنفرانس ملی مطالعات خانوادہ و مدرسہ



فرار از مسئولیت فرزندان دختر توسط والدین/ آسوده شدن از مشکلات/ خطرات احتمالی نگهداری دختران	۱۴-	نگرانی از پیامدهای پاسخ منفی به خواستگار/ ترس و نگرانی از بدنام شدن دختر خانواده/ ترس و نگرانی از اسم گذاشتن روی دختر	۲۵-	تصور مثبت والدین از ازدواج زود هنگام/ باور به اینکه ازدواج در سنین پایین باعث سر به زیر بودن و مطیع بودن دختران می شود.
نبود امکانات ورزشی و تفریحی برای تخلیه انرژی حاصل از بلوغ و نوجوانی در مکان های کوچک	۱۵-	ترس و نبود امنیت برای دختران/ نگرانی از آزار و اذیت دختران	۲۶-	بی انگیزی حاصل از عدم اشتغال دختران تحصیل کرده و تصمیم به ازدواج زودهنگام/ فرصت های شغلی اندک برای دختران تحصیل کرده
فقر فرهنگی و عدم آگاهی و اطلاع از: معیارهای ازدواج سالم، ویژگی های رشدی نوجوانی، مشکلات ازدواج در سن پایین، مهارت و پختگی لازم برای ایفای نقش همسری و والد بودن	۱۶-	باورهای خرافی/ باور به نصیب و قسمت در پذیرش خواستگار/ باور به تقدیر و سرنوشت در شوهر دادن دختر	۲۷-	فشار والدین و اطرافیان به ازدواج زودهنگام/ فشار خواستگاری های مکرر روی دختران/ فشار ناشی از فرهنگ عمومی ازدواج زودهنگام
جایگاه نداشتن زنان در جامعه/ نگاه ابزاری به زنان/ ارزش پایین دختران برای خانواده ها/ کم محلی خانواده ها به فرزندان دختر/ ساختار اجتماعی تبعیض آمیز و مرد سالاری	۱۷-	تک والدینی یا والدین ناتنی در خانواده دختران	۲۸-	عدم وجود قوانین واضح و نهادهای حمایتی در زمینه کودک همسری در برابر فشار اطرافیان
سنت های نادرست ازدواج/ تعصبات و پایبندی به آداب و رسوم گذشته/ الگو قرار دادن ازدواج زودهنگام خود والدین به دختران/ فرهنگ خانوادگی، محلی و قومی	۱۸-	نگرانی والدین از فرار دختر با پسر مورد علاقه اش	۲۹-	ملاک شدن ظاهر جسمانی و زیبایی و سن پایین در انتخاب همسر، گزینش همسر دوم و جوان (ذائقه خاص مردان منطقه در ازدواج)
حفظ آبرو و عزت خانواده/ بی اعتمادی نسبت به دختران/ ترس از بی بندوباری فرزندان/ پیشگیری از فعالیت جنسی خارج از ازدواج/ ترس از ارتکاب گناه دردوران بلوغ و مجردی	۱۹-	تصور و دید منفی به ازدواج دیرهنگام	۳۰-	وجود چشم و هم چشمی و رقابت بین خانواده ها برای شوهر دادن دختر در سن پایین/ کسب افتخار و ارزش تلقی شدن شوهر دادن دختر در سن پایین برای خانواده ها
آمار کم ازدواج در جامعه/ عدم تمایل مردان به ازدواج و فرصت محدود پیدا شدن همسر	۲۰-	ملاک قراردادن شرع به ازدواج زودهنگام/ برداشت ناقص از دین/ الگوبرداری ناقص از شخصیت های دینی	۳۱-	الگوپذیری از دوستان و دخترانی که در سنین پایین ازدواج می کنند
پایین بودن جایگاه اجتماعی خانواده دختر/ تحت تاثیر موقعیت (اجتماعی،...) خواستگار قرار گرفتن	۲۱-	تعداد زیاد فرزندان دختر در خانواده و ایجاد استرس و فشار (ادراک شده) بر روی خانواده		
نگاه مثبت دختران به ازدواج در سنین پایین/ تمایل و اشتیاق دختران نوجوان به ازدواج زودهنگام	۲۲-	گسترش استفاده از ماهواره/ گسترش اینترنت و استفاده نادرست از اینترنت و فضای مجازی/ عدم نظارت کافی والدین به فضای مجازی		

گام دوم شناسایی و انتخاب مشارکت کنندگان ارزش گذاری کیو می باشد یعنی افرادی که نمونه (کارت) کیو را در جدول آن رتبه بندی می کنند. بررسی ها و مطالعات انجام شده در روش شناسی کیو تعداد مشارکت کنندگان را متفاوت نشان می دهد. انتخاب تعداد کمتر از ۴۰ نفر ممکن است برای اهداف خاص کفایت کند (براون ۱۹۹۷؛ به نقل از لاجوردی و همکاران، ۱۳۹۵). در پژوهش حاضر تعداد ۱۶ نفر از افراد به صورت هدفمند و براساس معیارهایی چون شغل و فعالیت مرتبط، درگیری حرفه ای با موضوع، ارتباط و



سرکار داشتن شخصی و یا سازمانی با موضوع و ... انتخاب گردید. در گام سوم تکمیل ارزش گذاری نمودارهای کیو (رتبه بندی دلایل و پیامدها) و استخراج مصاحبه تکمیلی به عمل آمد. همچنین برای ارزش گذاری داده ها از نمودار توزیع اجباری (در برابر توزیع اختیاری) و به صورت متقارن استفاده گردید. به این صورت که مشارکت کننده برای نشان دادن میزان موافقت و مخالفت خود با هر گزینه، آن گزینه (یا کارت مورد نظر) را بر روی طیفی در جدول (۳) که به شکل توزیع طبیعی هست قرار می دهد. جدول نهایی پس اتمام ارزش گذاری نمودار کیو نامیده می شود.

جدول (۳). ساختار ارزش گذاری کارت ها

				← مخالف				موافق →	
-۴	-۳	-۲	-۱	۰	+۱	+۲	+۳	+۴	
کارت ۲		کارت ۳		کارت ۴		کارت ۴		کارت ۵	

پس از تحلیل عاملی و مشاهده ماتریکس تحلیل عاملی، و به منظور تفسیر عوامل از نظر آماری، امتیازی که از دیدگاه مورد نظر به هر گزاره یا کارت کیو تعلق می گیرد محاسبه می شود. انجام این مرحله منجر به تشکیل جداول «امتیازهای عاملی» شده است که در خروجی نرم افزار وجود دارد. بر اساس بارهای عاملی و امتیاز کسب شده و نیز توجه به مصاحبه های پایانی، در گام پنجم، خلق و بیان تفسیر نهایی صورت گرفته است و دیدگاه ها در قالب الگوهای ذهنی دسته بندی شده آشکار گشته است. با توجه به هدف مطالعات کیو و معیار تفسیر پذیر بودن افراد (عامل ها)، تعداد پنج الگوی ذهنی در بحث دلایل و زمینه های کودک همسری کشف و شناسایی گردید و به دلیل اشتراک عقاید و نظرات مشابه در دسته بندی های مجزا قرار گرفتند. در جدول (۴) تعداد مشارکت کننده در هر عامل یا الگوی ذهنی مربوط به دلایل کودک همسری، و سهم بار عاملی نمودارهای تکمیلی آنان آورده شده است.

جدول (۴). ماتریس تحلیل عاملی (دسته پنجگانه الگوی ذهنی دلایل)

عوامل					مشارکت کنندگان
عامل ۵	عامل ۴	عامل ۳	عامل ۲	عامل ۱	
				۹۱۴	مشارکت کننده ۱
				۸۶۸	مشارکت کننده ۲
۴۱۵	۳۰۸		۶۵۰		مشارکت کننده ۳
-۸۷۸					مشارکت کننده ۴
		۸۸۵			مشارکت کننده ۵
				۸۷۴	مشارکت کننده ۶
				۹۱۵	مشارکت کننده ۷



۰.۳۴۰			۰.۷۰۶	۳۹۸	مشارکت کننده ۸
-۰.۴۸۴		۰.۷۷۵			مشارکت کننده ۹
			۰.۸۶۱		مشارکت کننده ۱۰
	-۰.۵۸۹	۰.۶۴۵			مشارکت کننده ۱۱
			۰.۷۷۸		مشارکت کننده ۱۲
	۰.۵۲۱		-۰.۵۹۴		مشارکت کننده ۱۳
	۰.۷۴۳				مشارکت کننده ۱۴
	۰.۷۳۲				مشارکت کننده ۱۵
	۰.۳۰۵	۰.۳۴۰	۰.۳۱۴	۰.۵۹۵	مشارکت کننده ۱۶

همچنین میزان واریانس الگوهای ذهنی مربوط به دلایل و پیامدها و مقدار ویژه آن‌ها به ترتیب در جداول (۵) و (۷) تعیین و نشان داده شده است. برای تحلیل نهایی بارهای عاملی حاصل از نمودارها، روش چرخش متعامد بکار گرفته شده است.

جدول (۵). میزان واریانس تبیین شده هر عامل یا الگوی ذهنی (مربوط به دلایل کودک همسری) و مقدار ویژه آن

مجموع مجزورات دوران یافته			عوامل
درصد تجمعی	درصد واریانس	کل	
۳۷,۴۵۱	۳۷,۴۵۱	۵,۹۹۲	عامل اول: فقر فرهنگی و عمل طبق رسم و سنت های نادرست و گذشته
۵۲,۲۵۹	۱۴,۸۰۸	۲,۳۶۹	عامل دوم: چشم و هم چشمی، فضای رقابتی و فشار اجتماعی
۶۳,۳۴۰	۱۱,۰۸۱	۱,۷۷۳	عامل سوم: نبود امکانات تحصیلی و رشد و پیشرفت در روستاها
۷۲,۰۹۹	۸,۷۵۹	۱,۴۰۱	عامل چهارم: گسترش استفاده از ماهواره و اینترنت و فضای مجازی
۷۹,۰۳۵	۶,۹۳۶	۱,۱۱۰	عامل پنجم: مشکلات اقتصادی و هزینه خانوار

جدول کل واریانس تبیین شده مربوط به دلایل کودک همسری نشان می‌دهد که نرم افزار SPSS با توجه به دیدگاه های مشارکت کنندگان پنج الگوی ذهنی را شناسایی (عواملی که مقادیر ویژه بالای ۱ می‌باشند) و پنج عامل در مجموع حدود ۷۹ درصد واریانس کل تبیین شده را تبیین و پوشش می‌دهند. براساس این جدول عامل (الگوی ذهنی) اول ۳۷ درصد، الگوی ذهنی دوم ۱۴ درصد، الگوی ذهنی سوم ۱۱ درصد، الگوی ذهنی چهارم ۸ درصد و الگوی ذهنی پنجم حدود ۷ درصد واریانس کل را تشکیل می‌دهند. جدول کل واریانس تبیین شده مربوط به پیامدهای کودک همسری نشان می‌دهد که نرم افزار SPSS با توجه به دیدگاه های مشارکت کنندگان چهار الگوی ذهنی را شناسایی (عواملی که مقادیر ویژه بالای ۱ می‌باشند) و چهار عامل در مجموع حدود ۷۵ درصد واریانس کل تبیین شده را تبیین و پوشش می‌دهند. براساس این جدول عامل (الگوی ذهنی) اول ۴۲ درصد، الگوی ذهنی دوم ۱۴ درصد، الگوی ذهنی سوم ۱۱ درصد، الگوی ذهنی چهارم ۶ درصد واریانس کل را تشکیل می‌دهند.



۶- بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش شناسایی الگوهای ذهنی مربوط به دلایل و زمینه های کودک همسری در مناطق کم برخوردار آذربایجان شرقی بود که در ادامه به تشریح و تفسیر الگوهای ذهنی بدست آمده پرداخت می شود.

الگوی ذهنی اول: فقر فرهنگی و عمل طبق رسم و سنت های نادرست و گذشته

براساس ذهنیت و دیدگاه مشترک این الگو کودک همسری در نتیجه عواملی چون: فقر فرهنگی، عدم آگاهی و اطلاع از ویژگیهای رشدی (جسمانی، روانی و اجتماعی) کودک و نوجوان، عدم درک و فهم مشکلات و عواقب نامطلوب این پدیده، عدم آگاهی از وظایف و مسئولیت های والدین، و عدم برخورداری از مهارتهای لازم و ضروری زندگی و مهارت های فرزندپروری و از سوی دیگر به علت عواملی مانند پایبندی و عمل به رسم و رسوم سنتی، تعصبات قومی-فرهنگی و انتخاب شیوه ازدواج خود به فرزندان اتفاق می افتد. طبق اظهار نظر این دسته از کارشناسان پدیده کودک همسری اغلب در خانواده های اتفاق می افتد که از تحصیلات علمی بالایی برخوردار نیستند و اطلاعات کافی در مورد مراحل رشدی و مولفه های مختلف رشد کودک و نوجوان ندارند و صرفاً ظواهر و رشد جسمانی و فیزیکی دختران را در ازدواج در نظر می گیرند و به سایر جنبه های رشدی مانند رشد روانی، رشد اجتماعی و... توجهی ندارند. این دسته از والدین که دختران خود را در سنین پایین به خانه شوهر می فرستند از عوارض و عواقب این پدیده دانش و آگاهی لازم را ندارند و صرفاً سنت و فرهنگ و آداب و رسوم گذشته و یا فعلی رایج در روستا را برای ازدواج دختران خود الگو قرار می دهند. نیز به اعتقاد برخی از صاحب نظران این الگو، چون والدین این دسته از کودکان فاقد دانش و مهارتهای لازم در زمینه فرزندپروری (فراهم نمودن بستر و شرایط رشد و شکوفایی استعداد کودکان)، مهارت های اجتماعی و بین فردی (در برخورد با فرزندان دختر) هستند؛ فرزندان دختر در این خانواده ها به علت نبود فضای خانوادگی گرم و صمیمی، عدم وجود شرایط رشد و پیشرفت و کمبود مهر و محبت و عاطفه بیشتر مایل هستند که تن به ازدواج های زود هنگام بدهند و دنبال رفع این نیازهای در همسر آینده باشند هر چند که این باور و تصورات آنها نیز منطبق با منطق و واقعیت نبوده و در ادامه به علت برآورده نشدن این انتظارات با مشکل مواجه می شوند.

الگوی ذهنی دوم: چشم و هم چشمی، فضای رقابتی و فشار اجتماعی

به اعتقاد طرفداران این الگوی ذهنی فضای حاکم بر روستاها یک فضای رقابت و چشم و هم چشمی بوده و ازدواج دختران در سنین پایین برای خانواده و والدین دختران (بخصوص مادران) یک امتیاز و افتخار بوده و یک دستاورد و ارزش مهم تلقی می شود و برعکس اگر دختری دیر ازدواج کند برای خانواده یک امتیاز منفی تلقی شده و از این بابت خانواده ها و بخصوص مادران تحت فشار قرار می گیرند. این دسته از صاحب نظران معتقدند که خانم ها و مادران روستایی حتی در مراودات و گفت و گوهای روزمره و بین فردی اولویت و اهمیت زیادی به قضیه می دهند و دخترانی که نسبت به هم سن و سال های خود دیرتر ازدواج می کنند خود و خانواده آنها توسط برخی برچسب های نامناسب (پیردختر، و ...) و انگهای نادرست و غیرواقعی (این دختر خانواده دارای بیماری جسمی و یا اختلال روانی هست و بخاطر آن شوهر نمی دهند) مورد قضاوت و داوری قرار می گیرند. لذا خانواده ها و بخصوص مادران از یک سو برای کسب ارزش و افتخار و از سوی دیگر جهت پیشگیری از برچسب ها و انگ های ناروا دچار چشم و هم چشمی شده و در یک فضای رقابتی و فخر فروشانه درصدد هستند که دختران خود را زودتر از بقیه به خانه بخت بفرستند.

الگوی ذهنی سوم: نبود امکانات تحصیلی و رشد و پیشرفت در روستاها

طرفداران این دیدگاه و یا نگرش ذهنی بر این عقیده هستند که تعداد اندک دانش آموزان در مناطق روستایی و عدم وجود مدارس در سطح دوره دوم دبیرستان و در نتیجه نبود امکانات ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر، خانواده ها و دانش آموزان دختر را به این نتیجه رسانده که ادامه تحصیل و راه های پیشرفت شغلی و اجتماعی برای آنها محدود گشته است و بهتر است از همان سنین پایین ازدواج کرده و مسیر خانه داری و بچه داری در پیش بگیرند. همچنین به اعتقاد صاحبان این دیدگاه از جمله دلایلی که باعث می شود این خانواده ها امکان ادامه تحصیل در شهرهای بزرگ را به فرزندان دختر ندهند عواملی همچون عدم اعتماد به فرزندان دختر برای دور شدن از خانواده، احساس ترس و نگرانی از اتفاقات زندگی خوابگاهی و دور از خانواده برای دختران می باشد که این عامل نیز باعث می شود ضمن ممانعت از ادامه تحصیل فرزندان دختر را زودتر از موعد به خانه بخت بفرستند. در واقع به اعتقاد این دسته از کارشناسان



اگر شرایط ادامه تحصیل فراہم شود این عامل می تواند نقش بازداری کننده در اقدام به ازدواج های زودہنگام و کودک ہمسری داشته باشد. همچنین در کنار ایجاد این امکانات می توان با فرهنگ سازی و ارائه آموزش های لازم در جهت ایجاد اطمینان خاطر و مبارزہ با برخی بی اعتمادی های بیجا و ناصحیح امکان حضور دانش آموزان دختر در مدارس سایر شهرها و روستاهای بزرگ را فراہم نموده و از این اتفاق و پیامد ناگواری مقابلہ نمود.

الگوی ذہنی چہارم: گسترش استفاده از ماہوارہ و اینترنت و فضای مجازی

بر اساس این الگوی ذہنی گسترش استفاده از شبکہ های ماہوارہ ای و بہ تبع آن ترویج فرهنگ های غربی و الگو برداری از سریال های کشورهای ہمجوار (ترکیہ) موجبات آن شدہ است کہ دختران روستایی زودتر از موعد بہ بلوغ جنسی رسیدہ باشند و باعث تحریک و کنجکاوای آنها نسبت بہ امور جنسی و زناشویی شدہ و بہ ازدواج های زودہنگام ختم گردد. بہ اعتقاد این کارشناسان در چند سال اخیر گسترش استفاده از تلفن ہمراہ، محتوای اینترنتی نامناسب و تحریک کننده، گسترش استفاده از فضای مجازی و تسہیل بین جنس مخالف ارتباط توسط این فضا، در کنار نبود سواد رسانہ ای در فرد و خانوادہ و عدم اعمال محدودیت های لازم و نظارت های کافی بر این فضا و ارتباطات از سوی والدین خود مزید بر علت گشتہ و باعث شدہ کہ دختران روستایی بیشتر از قبل در معرض آسیب های اجتماعی و ازدواج های از نوع کودک ہمسری قرار بگیرند.

الگوی ذہنی پنجم: مشکلات اقتصادی و ہزینہ خانوار

بہ اعتقاد این دستہ از کارشناسان یک از دلایل ازدواج در سنین پایین دختران وضعیت اقتصادی نامناسب و تورم های سال های اخیر در کشور می باشد کہ باعث شدہ بین درآمد و ہزینہ خانوادہ توازن وجود نداشته باشد و در این شرایط ہزینہ نگہداری فرزندان دختر برای خانوادہ ہا بیشتر شدہ و آنها را خواه یا ناخواہ راغب می کند کہ از مسئولیت فرزندان دختر شانه خالی کردہ و با ازدواج زودہنگام دخترشان ہزینہ خود را مدیریت نمایند. بہ اعتقاد این دستہ از کارشناسان ردپای مشکلات اقتصادی را (ہرچند بہ شکل خفیف نسبت بہ سایر عوامل دخیل) می توان حتی در عدم ادامہ تحصیل در شهرهای بزرگ (الگوی ذہنی سوم) نیز مشاہدہ کرد بدین صورت کہ یکی از دلایل عدم ادامہ تحصیل در شهر یا روستاهای ہمجوار، عدم تمکن مالی خانوادہ ہا در ہزینہ سرویس و ایاب و ذہاب می باشد کہ باعث می شود آنها از ادامہ تحصیل فرزندان دختر در شهر یا روستاهای دیگر ممانعت بہ عمل بیاورند. در نتیجہ ہزینہ بالای نگہداری دختران در خانوادہ ہا در کنار سایر عوامل دخیل باعث می شود کہ خانوادہ ہا بیشتر با ازدواج زودہنگام آنها موافق باشند. آگاہ سازی خانوادہ های روستایی در خصوص کاهش فشار اجتماعی روی دختران و کم کردن فاصلہ های طبقاتی در بین خانوادہ ہا می تواند این عوامل را مرتفع سازد.

۷- منابع

- ۱- پناہی، محمد حسین؛ زارعان، منصورہ (۱۳۹۱). سلامت خانوادہ و عوامل اجتماعی موثر بر آن، فصلنامہ علوم اجتماعی شماره ۵۹.
- ۲- کوهی، کمال (۱۳۹۸). بررسی کودک ہمسری در کشور با تاکید بر استان آذربایجان شرقی. فصلنامہ حقوق کودک، سال اول، شماره سوم، صفحات ۱۵۹-۱۲۹.
- ۳- قاسمی، غزل؛ دادجو، فرید (۱۳۹۷). آسیب شناسی پدیدہ کودک ہمسری در ایران. ہفدہمین ہمایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، تہران
- ۴- بابانژاد ایراق، ارکاناز؛ نیمانی شندی، احد؛ گلی زادہ اصل شندی، حمید (۱۳۹۹). کودک ہمسری و علل و عوامل آن، ہشتمین ہمایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، تہران، انجمن علمی و توسعہ و ترویج علوم و فنون بنیادین، ص ۱-۱۸.



- ۵- حسینی فر، مریم السادات؛ اکبری، زهرا (۱۳۹۸). بررسی پیامدهای اجتماعی ازدواج زود هنگام بر روند آموزش دختران (مطالعه موردی: شهر اسفرورین). فصلنامه علمی تخصصی پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی، دوره اول، شماره دوم، صفحات ۱۴۶-۱۲۳.
- ۶- ریحانی، تارا (۱۳۹۹). بررسی جایگاه نهادهای قانون گذار در کاهش پدیده کودک همسری در ایران. فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، شماره دوازدهم، صفحات ۱۷۳-۱۵۷.
- ۷- سادات صفوی، حنانه و مینایی، ماه گل (۱۳۹۴). تجربه زیسته دختران نوجوان در نقش همسر (مطالعه ازدواج زود هنگام دختران آران بیدگل). ویژه نامه پژوهش نامه زنان. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره اول، صص ۱۰۶-۸۷.
- ۸- احمدی، وکیل و رضایی، انیس (۱۳۹۴). بررسی پیش رسی ازدواج در استان های کشور در طی سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰. فصلنامه جمعیت، سال بیست و دوم، شماره ۹۳ و ۹۴، صفحات ۹۴-۸۱.
- ۹- کردزنگنه، جعفر (۱۳۹۰). بررسی میزان و عوامل مؤثر بر ازدواج زودرس در ایران. فصلنامه توسعه انسانی، دوره ششم، شماره ۱، صفحات ۱۸۸-۱۵۷.
- ۱۰- ایمان زاده، علی؛ علیپور، سربه (۱۳۹۵). تجربه زیسته زنان مرند از مشکلات ازدواج زود هنگام. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال هشتم، شماره ۳۰، صفحات ۴۶-۳۱.
- ۱۱- سادات صفوی، حنانه و مینایی، ماه گل (۱۳۹۴). تجربه زیسته دختران نوجوان در نقش همسر (مطالعه ازدواج زود هنگام دختران آران بیدگل). ویژه نامه پژوهش نامه زنان. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره اول، صص ۱۰۶-۸۷.
- ۱۲- سلیمانی، زهرا (۱۳۹۸). کودک همسری بحرانی جدید در آموزش و پرورش. چهارمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش
- <https://civilica.com/doc/981602>
- ۱۳- فرضی زاده، زهرا؛ طالب، مهدی؛ متوسلی، محمود (۱۳۹۶). بررسی موانع تحصیل دختران روستایی (پژوهش کیفی)، فصلنامه تعلیم و تربیت شماره ۱۲۹.
- ۱۴- لاجوردی، سمانه؛ رحیم نیا، فریبرز؛ مرتضوی، سعید، کردنائیج، اسدالله (۱۳۹۵). کاربرد روش کیودد شناخت الگوهای ذهنی: ارزش گذاری عوامل بهره وریمنابع انسانی از دیدگاه اعضای هیئت علمی. پژوهش های مدیریت عمومی، سال نهم، شماره ۳۱، صص ۲۸-۵.